

به خامه‌ی : استاد محمداطهر انصاری
برگردانده‌ی: محمد حسین ساکت

باغها و کاخهای هندول

(۲)

شهری که همایون برپا داشته بود - در کنار رود جمنا (Jamuna) در جایی که «شیرشاه» دهکده‌ای ساخت و اکنون به نام دهکده‌ی «پران» (Purana) می‌باشد، قرار داشت .

همایون به این اندیشه بود که در این شهر کاخ بزرگ چهار طبقه‌ای که گرداگردش را باغها و گلستانهای میوه، فراگرفته باشد ، بنیان نهد . وی بهنگام برگشت خود از «گوالیار» (Gwalior) به سال ۱۵۳۳، آن هنگام فرخنده را، تعیین کرد، آنگاه در انجمنی که پیشوایان مذهبی ، فرماندهان و سپاهیان، حضور داشتند، نخستین سنگ آنرا ، بر زمین گذاشت و هر يك از آن میان، همچنانکه انجام داده بود، یکی از سنگها را گذاشتند و کارهای ساختمانی با کوشش و شادمانی آغاز شد و مانند همیشه که به صورت آئینی درآمد بود، در اینگونه کارها - شاعران، شعرهایی را که برای پدیده‌ی نوین و فرخنده، گواهی بود، سرودند و آنها را به گوش امپراطور رساندند، از میان شاعران، امیرالظرفاء مولانا شهاب‌الدین احمد مویمانی و خواند میر را می‌توان یاد آورد.

«خانه‌ی جادو»

بیشتر ساختمانهایی را که همایون از روی شور و شادمانی ساخت ، فراهم شده‌ی ساختمانهایی است که آنها را پاداشت و نامش را «خانه‌ی جادو» نامید

و شماره‌ای چند از ساختمانی را که بر کنار رود «جمنا» در «آگوا» (۱) می‌باشد در شمار آن قرار می‌گیرد و گرد آمده‌ی آن، «خانه‌ی جادو» یا «ساختمان جادو» خوانده می‌شود. قسمت مهم و سرآمد این فراهم شده‌را سه ساختمان که به ترتیب: «خانه‌ی مراد»، «خانه‌ی سعادت» و «خانه‌ی دولت» خوانده می‌شد، تشکیل می‌داد و اما ساختمانهای دیگر در گرداگرد این سه ساختمان می‌افتاد. «خانه‌ی مراد» بزرگترین این سه گانه بود و از دو طبقه به ریخت گردو دایره‌ای که هشت گوشه داشت، ساخته شده بود و در میانه‌ی آن استخر آبی به چشم می‌خورد که از هر سو، راه داشت و در میانه‌ی آن استخر، روزنی یافت می‌شد که از آن، رشته‌هایی جدا می‌گردید که به همی اتاقها و به همه‌سوی آن ساختمان پیوند می‌گرفت. پیرامون روزن، برجی هشت جانبه، برپا شده بود و بر بالای این برج تخته‌سنگی نگارش یافته، استوار و همه‌ی صحن خانه بانازک بینی بسیاری، با گل و خشت گونه‌ای بسته شده بود که به هنگام پر شدن آن استخر، آبها بسوی آن روزن، روان نشوند.

«خانه‌ی مراد» از دو طبقه ساخته شده بود که در آن تالاری به چشم می‌خورد و تختی از طلا در آن جای داشت و روی آن صندوقی بزرگی که از چوب چنندل و کمی «شلت» ساخته و پرداخته شده بود، دیده می‌شد و زمینهای آن با خاسه (Khasa Coverlets) پوشیده شده بود و روی این پوشیدگیها، فرشهایی از حریر موشی، (نام شهری در ارمنیه‌ی غربی) آراسته به نقش و نگار، گسترده شده بودند و روی آن انواع میوه‌ها و آشامیدنیهای بی‌شمار قرار داشت و به راستی هر چیزی در آنجا، شادمانی و آسایش را فراهم می‌کرد.

اما «خانه‌ی سعادت» در میانه‌ی دو ساختمان دیگر می‌افتاد و همچنین هشت جانبه بود، ولی از نظر حجم از نخستین کوچکتر می‌نمود. در میانه‌ی این ساختمان

۱- آگرا - Agra - شهری است در شمال مرکزی هند و ستاد فرماندهی لشکرا و ترا برادش، که در ساحل رود یا مونا (جمنا) قرار گرفته است. این شهر نخستین بار به هنگامیکه اکبر شاه آنرا پایتخت قرار داد، پیشرفت و جهش پیدا کرد. (Encyclopedia International) (برگردان از : جلد اول ص 157)

انبیاری برای آب، دیده می‌شد و نیز چند تالار و سرسرا، که از هر چهار سوی آن دهلیزهایی (۱) به چشم می‌خورد و یکی از این دهلیزها به «خانه‌ی مراد» میپیوست و دیگری به «خانه‌ی دولت» و هر یک از آن دو به ریخت سرسرا بود، و با هم بستگی و پیوند داشت، بدینگونه که هر گاه یکی از درها بسته می‌شد، در دیگر باز نمی‌گردید و هر گاه این درهم بسته می‌شد، در نخستین گشوده می‌گشت و به همین گونه... (۲) در اطاق بالائی، سجاده‌ای برای نماز گسترده شده بود و شماره‌ای چند از کتابها و لوحه‌های عکس‌دار و دستنویسی که به روش و شیوه‌ای ویژه، بستگی داشت، یافت می‌شد.

سومین ساختمان‌ی که به نام: «خانه‌ی دولت» خوانده می‌شد تا اندازه‌ای از ریخت آن ساختمان هشت جانبه، دور بود و در طبقه‌ی بالائی آن جایگاهی بزرگ وجود داشت که به انواع افزارهای جنگی مانند: شمشیرهای تازی، که با گوهر جواهر نشان شده بودند و نیز زره‌های زرین و خنجرهای پهن که دارای نقش و نگار بودند و جزاینها - آراسته شده بود. همایون این جایگاه را برای بررسی پیرامون کارهای مهم دولتی، برگزیده بود.

کاخ روان و ساختمانهای دیگر

جز این ساختمانهای سه گانه، همایون، کاخهای دیگری هم بنیان نهاد. در کنار دهکده‌ی آگر اکاخی ساخت که از چندین اتاق و جایگاه، فراهم شده بود این کاخ تا آن اندازه بلند و برافراشته بود که نویسندگانی که آنرا دیده‌اند، می‌گویند: «اگر کسی بر بام آن بنشیند، خود را نزدیک سکان آسمان می‌انگارد همچنین در دهکده‌ی «گوالیار» (۳) از سنگ «مرزکش» (۴) ساختمانی ساخت

۱ - Dalan

۲ - برخی از صفحات کتاب «کلیدن» که شاید راز این حرکت مکانیکی را گفته باشد از میان رفته است.

۳ - گوالیار Gwalior شهریست در استان مادیا پرادش واقع در هند مرکزی. این شهر در جنوب رود چمبر در قسمت زیرین

که همه سوی آن به نقش و نگار و تزیینات، آراسته شده بود .

کاخ روان

این کاخ تازه ترین کاخی است که همایون، ساخته است و دارای سه طبقه میباشد و اجزای جداگانه‌ی آن، چنان هنرمندانه باهم بستگی دارند که به دشواری میتوان میان قسمتی، از قسمت دیگر جدائی انداخت و این قسمتهای همبسته را میتوان حرکت داد و بنا بر خواسته از جایی به جای دیگر، برد. و اما نردبانی را که به طبقه‌ی بالائی میبویند نیز می‌توان، حرکت داد و جا بجا کرد. این کاخ به رنگهای گوناگون، آراسته شده بود و پرده‌های آن از: ختن، ترکیه و اروپا آمده بود که هفت رنگ در آن به چشم می‌خورد بر بلندی کاخ بارگاهی از طلا وجود داشت که در هنگام درخشش گمان میرفت جهان خاکی به نورشید نزدیک میشود!

ناتمام



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

آگرا و در دو میلی شمال لشکر قرار گرفته است . این واژه تحریف شده‌ی گپاگیری **Gopagiri** میباشد که به معنی شیان تپه است و بیشتر و عملاً به آن دوشهر پیوست بوده است. (برگردان از جلد 8 ص 241

Encyclopedia International

دائرة المعارف بین‌المللی

۴ - مرکش از پارسی گرفته شده است و به معنی سازنده‌ی تار زر و زرکش است. (فرهنگ نفیسی جلد پنجم - چاپ رنگین سال ۱۳۳۴ ص ۳۲۸۰)